

گزارش خبری

تهران ناامن در سایه مسافرب‌های بی‌هویت

شرق: آنچه به‌عنوان حادثه‌ای فردی رخ می‌دهد، در زمینه شهری، ریشه‌هایی ساختاری دارد. قتل یک شهروند به دست راننده یک مسافربر شخصی، تنها یک فاجعه نیست، بلکه نشانه‌ای از اختلال در نظام نظارتی و اجرایی حمل‌ونقل شهری است؛ موضوعی که اعضای شورای شهر تهران در جلسه اخیر با نگرانی درباره آن هشدار دادند و خواستار بازنگری در سیاست‌های نظارت، ساماندهی و برخورد با رانندگان فاقد مجوز شدند. در جلسه روز گذشته شورای شهر تهران، رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران با اشاره به اینکه تاکسی‌های اینترنتی به دلیل داشتن مجوز از نهادهای دیگر، نمی‌توانند از نظارت شهرداری خارج شوند، گفت: ساماندهی مسافربرهای شخصی ضرورت فوری دارد.

جعفر تشکری‌هاشمی، در واکنش به حادثه اخیر قتل الهه حسین‌نژاد، گفته که از مقام قضائی می‌خواهم که در مقابل این‌گونه حوادث با جدیت و سرعت عمل این اطمینان را به وجود بیاورد که فرصتی برای برهنگارن به وجود نیابد. او با تأکید بر اینکه بزده‌ها ریشه اجتماعی دارند، حمل و نقل عمومی را زمینه‌ای مهم در این زمینه دانست و ادامه داد: مسئله مسافربرهای شخصی موضوعی است که مربوط به امروز یا سال‌های گذشته نیست؛ بلکه دهه‌هاست که در شهرهای ایران این موضوع به‌عنوان یک عارضه دیده شده‌اند، بارها طرح‌های ساماندهی برای آنها گذاشته شده است و حداقل دو نوبت در شهر تهران، ساماندهی مسافربرهای شخصی انجام شد و بیش از ۵۰ هزار خودرویی که تحت عنوان مسافربر شخصی کار می‌کردند، تحت نظارت سازمان تاکسی‌رانی درآمدند و متأسفانه مسئله بی‌کاری منجر شده تا استفاده از خودروهای شخصی برای مسافرکشی آخرین پناهگاه افراد باشد.

به گفته او مهم‌ترین دلیل رشد مسافربرهای شخصی، کمبود و نبود ساماندهی ناوگان حمل‌ونقل عمومی در شهرهاست. هم کمبود اتوبوس و هم ضعف در ساماندهی تاکسی‌ها، منجر شده تا فرصتی برای این‌گونه مشاغل غیرمجاز فراهم شود. این فقط بی‌نظمی نیست، بلکه سبب ایجاد نبود اطمینان و نگرانی دائمی برای خانواده‌ها می‌شود.

او با بیان اینکه باید ساماندهی مسافربرهای بی‌نام‌ونشان در دستور کار شهرداری قرار گیرد، افزود: مسافربرهای بی‌نام و بی‌شناسنامه در سطح شهر موجب ناامنی و بی‌اعتمادی می‌شوند.

تشکری‌هاشمی درباره نوسازی و توسعه ناوگان حمل‌ونقل بیان کرد: در این دوره مدیریت شهری، تلاش‌هایی انجام شده، اما این اقدامات کفایت نمی‌کنند. در تهران نزدیک به هشت هزار دستگاه اتوبوس کم داریم و ۵۰ هزار تاکسی نیز به سن فرسودگی رسیده‌اند. همچنین ناوگان متروی تهران همچنان در انتظار واردات تک واگن است. البته دیگر شهرهای کشور نیز وضعیت مشابهی مانند تهران دارند.

عضو شورای شهر تهران ساماندهی مسافربرهای شخصی را راهکاری کوتاه‌مدت دانست و تأکید کرد: بارها و بارها از همین تریبون گفته‌ایم که شرکت‌های تاکسی اینترنتی نمی‌توانند صرفا به دلیل داشتن مجوز از نهادهای دیگر، از نظارت مدیریت شهری خارج شوند. قانون، نظارت بر حمل‌ونقل را برعهده شهرداری تهران گذاشته و شهرداری موظف به نظارت بر تمام تاکسی‌ها است. اگر ساماندهی هم انجام شود، اما هرکسی در نقطه‌ای از شهر کلونی ایجاد کند که حتی رانندگان تاکسی هم جرئت حضور در آنجا را نداشته باشند، پلیس باید با آن برخورد کند. در اواخر سال گذشته گفتمیم که پلاک‌های شهرستان و ناشناس در هر شهر باید ساماندهی شوند. چه دلیلی دارد خودروهایی از شهرهای دیگر، در تهران اقدام به مسافربری کنند؟ چرا افرادی که اصولا شهروند تهرانی نیستند، در تهران به مسافرکشی می‌پردازند؟ باید با ماماشات از کنار این موضوع گذشت. درباره مسافربری با پلاک شهرستان باید برخورد جدی شود.

تشکری‌هاشمی خواستار همراهی دولت شد و گفت: وزیر کشور دستوراتی داده و تقاضای من این است که ساماندهی و نظارت بر تاکسی‌های بر خط و همچنین توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی با کمک دولت در دستور کار قرار گیرد. وقتی یک اتوبوس ۲۰ میلیارد تومان قیمت دارد، باید پذیرفت که شهرداری تهران منابع کافی ندارد و دولت باید حتما کمک کند.

مهدی چمران هم با بیان اینکه رانندگان مسافربرهای اینترنتی نمی‌خواهند تاکسی شوند، گفت: مسافربرها در تهران باید زیر نظر شهرداری تهران باشد و البته خود وزارت کشور به این صنف اجازه داده که زیر نظر صنف باشد.

او با بیان اینکه ما یک بار گفتیم خودروهای پلاک شهرستان اگر می‌خواهند وارد محدوده طرح ترافیک شوند، باید عوارض بدهند و دیدید که چه کارها کردند.

ادامه داد: باید با وزارت کشور و دستگاه‌های مربوطه جلسه برگزار کرد تا این موضوع ساماندهی شود و می‌گویم که با این شرایط کسی که سوار مسافربر شخصی می‌شود، باید تن خود و خانواده‌اش بلرزد.

سوده نجفی، عضو هیئت‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران، هم در تذکری با اشاره به ساماندهی مسافربرهای شخصی و اینترنتی گفت: موضوع ساماندهی مسافربرهای اینترنتی و شخصی را که براساس ماده ۲۰۳ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب هیئت وزیران، حمل‌ونقل مسافر با وسیله نقلیه پلاک شخصی فاقد مجوز قانونی را ممنوع اعلام کرده است، بار دیگر تذکر می‌دهم و از شهرداری، مجلس، وزارت کشور و راهنمایی و رانندگی می‌خواهم درباره این مسئله ورود جدی داشته باشند تا شاهد حوادث تلخی که افکار عمومی را متاثر کند، نباشیم.

شادی مالکی، مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسی‌رانی شهر تهران، هم در گفت‌وگویی به این حادثه واکنش نشان داد و گفت: قانون‌گذار به دلیل اهمیت امنیت شهروندان و مدیریت حمل‌ونقل شهروندان در ماده ۲۰۳ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب هیئت وزیران حمل‌ونقل مسافر با وسیله نقلیه پلاک شخصی فاقد مجوز قانونی ممنوع اعلام کرده است.

او تأکید کرد: از سوی دیگر، قانون‌گذار به دلیل تعیین ظاهر وسیله نقلیه تاکسی و شرایط رانندگان تاکسی اقدام به احصای شرایطی در مواد ۲-۲ تا ۶-۲ آیین‌نامه اجرایی تاکسی‌رانی کرده که براساس این در ماده ۸ تخلفات و شیوه رسیدگی به تخلفات احصا شده است.

شادی مالکی افزود: براساس این تاکسی‌رانان دارای شغلی ثبت‌شده و با شرایط معین بوده و اطلاعات ایشان به صورت کامل در اختیار سازمان تاکسی‌رانی و به خواسته مراجع قضائی و امنیتی در اختیار ایشان قرار داده می‌شود. ازاین‌رو درصد تخلفات تاکسی‌رانان به‌ویژه در جرائمی مانند موضوع مشابه الهه حسین‌نژاد نزدیک به صفر است.

مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسی‌رانی شهر تهران در پایان گفت: همچنین قانون‌گذار با الهام از قوانین محکم تاکسی‌رانی اقدام به تعیین ضوابط خدمات خودروهای مسافربر شخصی تحت سامانه‌های هوشمند مسافر کرده که در این قبیل شرکت‌ها نیز بررسی‌های صلاحیتی و رصد عملکردی ایشان با توجه به ضوابط خود رعایت می‌شود. البته این شرکت‌ها باید درباره نصب علائم میزبه خودروهای تحت پوشش خود که مورد تأکید مرجع دادستانی، امنیتی و این سازمان بوده، به‌سرعت اقدام به نصب کامل آن بر روی خودروها کنند. شورای شهر تهران روز گذشته تهران تأمین امنیت شهروندان در مقابل حمل‌ونقل بی ضابطه هشدار داد. به گفته اعضای منتقد راه‌حل‌ها در قانون موجود است و مطالبه شورا روشن است، اما بدون اجرای منسجم، آموزش نیروهای خدمات اجتماعی و ورود نهادهای ملی، این بحران مهار نمی‌شود. حادثه الهه حسین‌نژاد نباید آخرین تلنکر باشد.

نورا حسینی: حکم اجرا شد؛ ساختمان ورشو روند تحویل به شهرداری را طی می‌کند. دو روز است نماینده نهاد قضائی و بخش حقوقی شهرداری تهران در خانه اندیشمندان هستند و اموال را صورت‌جلسه می‌کنند تا ساختمان تحویل شهرداری شود. اما قرار نیست فعلا مؤسسه خانه اندیشمندان از ساختمان ورشو به‌جای دیگری کوچ کند. می‌گویند دوباره ساختمان در اختیار مؤسسه خانه اندیشمندان قرار گیرد. در دو روز گذشته هم برنامه‌های خانه متوقف نشده، اما نه رسانه‌ها و نه بسیاری از اندیشمندان و حتی برخی از اعضای شورای شهر تهران هم به سخنان مدیران شهری اطمینان ندارند. درست در زمانی که اعضای شورای شهر تهران در صحن به شهرداری تذکر می‌دادند اجرای حکم را متوقف کند تا در جلسه‌ای ویژه، شورا و شهرداری و خانه اندیشمندان به توافق برسند، مدیران بخش حقوقی شهرداری به همراه نماینده قضائی و انتظامی در این خانه در حال تهیه ثبت اموال و اجرای حکم بودند.

حتی تماس تلفنی مهدی چمران با مسئول بخش حقوقی هم سبب نشد نمایندگان شهرداری از ساختمان خارج شوند. روز گذشته مهدی اقراریارن، رئیس کمیته نظارت شوروی شهر، هم از خانه اندیشمندان بازدید کرد. دو روز بود که خبرنگاران مجوز ورود به ساختمان را نداشتند. خبرنگار «شرق» همراه با اقراریارن به ساختمان ورشو رفت. مأموران قضائی در حال تهیه صورت‌جلسه اموال بودند.

اما این قول داده شده بود که فعلا ساختمان در اختیار خانه اندیشمندان می‌ماند. جزئیات این توافق شفاف چندان مشخص نبود. روز گذشته سوده نجفی، عضو شورای شهر تهران با اشاره به ضرورت حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی کشور، از شهردار تهران خواست جلوی بازپس‌گیری ملک در اختیار خانه اندیشمندان را بگیرد و مانع ادامه فعالیت آن نشود. سوده نجفی، عضو هیئت‌رئیس شورای شهر تهران در تذکری با اشاره به موضوع خانه اندیشمندان علوم انسانی گفت: بر اساس اطلاعاتی که از سوی این نهاد منتشر شده، شهرداری با طرح دعوای حقوقی نسبت به بازپس‌گیری ملک خود اقدام کرده و بر اساس اخبار منتشرشده، گویا مأموران شهرداری، دیروز برای تخلیه ساختمان اقدام کردند. شهرداری تهران تعداد زیادی املاک دارد که در اختیار غیر همچون مؤسسه‌ها و نهاده‌ها قرار دارند که بر این اساس اقداماتی برای تعیین‌تکلیف آنها انجام داده است. از شهرداری تهران می‌خواهم گزارشی از روند بازپس‌گیری این املاک که به شورای شهر ارائه کند تا مشخص شود بر بازپس‌گیری ملک خانه اندیشمندان علوم انسانی اهداف دیگری وجود داشته یا شهرداری نسبت به همه املاک خود این‌گونه حساسیت و جدیت دارد. طرح تحقیق و تفحص از اسللاک حوزه معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران راهکاری است که در صورت عدم ارائه گزارش می‌تواند از سوی شورای شهر پیگیری شود.

او ادامه داد: بر اساس اطلاعاتی که توسط این خانه منتشر شده، شهرداری مذاکراتی با این خانه داشته که گویا بیشتر به دنبال اداره این خانه که قریب به ۲۵۰ نهاد علمی و فرهنگی و مدنی برای انجام فعالیت‌های خود از ظرفیت‌های این مجموعه استفاده می‌کنند، است. مگر شهرداری از عهده انجام وظایف اولیه خود همچون نظافت شهر و جمع‌آوری زباله برآمده که می‌خواهد بر این باران علمی و فرهنگی صرف در اختیار قراردادن یک ملک مدیریت کند؟

نجفی افزود: این اقدام شهرداری در حالی انجام شده که بعد از نامه ۴۴ نهاد علمی و فرهنگی از رئیس‌جمهور و تقاضا برای جلوگیری از اجرای حکم که شهردار به صورت شفاهی قول دادند نسبت به اجرای احکام صادره، اصرار و پیگیری نخواهند کرد انجام شده است. لذا از شهردار تهران می‌خواهم از اجرای این حکم جلوگیری کنند و اجازه دهند فعالیت در این ملک تداوم یابد. نجبکان علمی و فرهنگی نیاز به یک خانه برای گفت‌وگو و اندیشه‌ورزی در شهر دارند. این‌گونه اقدامات قطعا سبب آسیب به جایگاه شهردار نزد افکار عمومی و جامعه علمی، فرهنگی و دانشگاهی خواهد بود.

محمدامین توکلی‌زاده در واکنش به این سخنان و طرح تحقیق و تفحص املاک اجتماعی که توسط سوده نجفی مطرح شده، در صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی نوشت: از طرح تحقیق و تفحص املاک اجتماعی که سرکار خانم نجفی، عضو محترم شورا فرمودند، استقبال می‌کنیم. شفافیت کمک بسیاری به افقاع افکار عمومی می‌کند. از همین ملک خانه اندیشمندان شروع کنید تا همه املاک واگذارشده در دو دهه گذشته. واقعا خدا خیرتان بدهد اگر این طرح را دنبال کنید.

اما نجفی تنها عضو منتقد به برخورد شهرداری با خانه اندیشمندان نبود. مهدی اقراریارن یکی دیگر از اعضای بود که در جلسه روز گذشته شورا به نحوه برخورد با خانه اندیشمندان واکنش نشان داد و تأکید کرد برخورد قضائی با حوزه اندیشه و خانه اندیشمندان علوم انسانی اشتباه است.

به گفته او شهرداری تهران اعلام کرده ما شکایت کردیم،



علیرضا جباری زادگان، پژوهشگر و مدرس معماری، شهر، چیزی بیش از مجموعه‌ای از خیابان‌ها و ساختمان‌هاست؛ شهر، روایت زنده‌ای از هویت، ادراک و خاطره جمعی است. نظریه گشتالت، با تأکید بر درک کل یکپارچه، ما را به بازخوانی شهرها، از زاویه‌ای تازه دعوت می‌کند. شهرها، نه‌تنها به واسطه معماری‌شان، بلکه از طریق پیوستگی ذهنی و فرهنگی با ما سخن می‌گویند. تهران، اصفهان و شیراز، هریک داستان خود را دارند؛ اما آیا این روایت‌ها همچنان همگون و هموزن باقی مانده‌اند؟

درخواست نصف، به اضافه یک عضو شورا برای توقف اجرای حکم خانه اندیشمندان

یک خانه، چند روایت؛ ورود با حکم، خروج با تردید

انسانی مطرح کردند. گروهی از افراد برای اجرای این فکر، نامه‌ای نوشتند و تقاضای فضا کردند که در نهایت با موافقت رهبری، این فضا در اختیارشان قرار گرفت تا در مسیر علوم انسانی حرکت کنند، نه در جهت مقاصد سیاسی. این دو نباید با هم مخلوط شود. به هر حال، نباید تصور شود که رویکرد شورا یا نهادهای نظارتی، بگیر و ببند است. حتی در مواردی که احکام قضائی صادر شده، این روند طبیعی پیگیری‌های قانونی بوده است. ما باید با آرامش، گفت‌وگو و همفکری مسئله را حل کنیم و به یک راه‌حل مناسب برسیم.

در حاشیه جلسه روز گذشته صحن، مقداد محتشم‌آرا، رئیس مرکز حقوقی شهرداری تهران که در صحن فرصت ارائه گزارش به وی داده نشد، گفت: تصمیم‌گیری درباره تعویق در اجرای حکم تخلیه خانه اندیشمندان یک فرایند قانونی دارد که مربوط به اجرای احکام دادگاه است؛ به نحوی که ابتدا برای طرف مقابل اخطار می‌رود و مهلت داده می‌شود و تعیین این مهلت و زمان اجرای حکم بر عهده دادگاه است و ربطی به شهرداری ندارد. درباره مؤسسه خانه اندیشمندان اساسا قصد تخلیه مثل جاسای دیگر را نداریم؛ چون بخش زیادی از اموالی که در اینجا وجود دارد، جزء اموال شهرداری است و برچسب اموال دارد. بحثی که با مدیران این مؤسسه داشتیم، صرفا مدیریت استفاده از فضااست. از دوستان پرسیدیم که شما چند نفر هستید، گفتند یک مدیر و سه کارمند. تصمیم گرفتیم یک اتاق را به مدیر بدهیم و یک اتاق هم به کارکنان به صورت اختصاصی داده شود. اما از فضای اشتراکی و عمومی همین استفاده‌ای که تا امروز می‌شد باز هم بعدها استفاده شود.

رئیس مرکز حقوقی شهرداری تهران ادامه داد: محل خانه اندیشمندان جزا املاک شهرداری است که باید به شکل مطلوبی مدیریت شود. نمی‌شود که ۲۰۰ آدم و تعداد زیادی شرکت دانش‌بنیان پشت در لاله بزنند که شهرداری یک صندلی را یک ساعت در اختیارشان قرار دهد، اما هم‌زمان یک مجموعه چند هزار متری را برای ۱۲ سال به یک مؤسسه خصوصی اختصاص دهیم که می‌دانیم از بخشی از این ساختمان هم استفاده نمی‌کنند.

محتشم‌آرا با تأکید بر اینکه ما مشکلی با نجبکان علوم انسانی که این محل را خانه خود می‌دانند، نداریم، عنوان کرد: ما قصد نداریم که خانه اندیشمندان علوم انسانی را که یک مؤسسه خصوصی است، مدیریت کنیم. اتفاقا پیشنهاد خود این مجموعه این بود که شما مدیریت کار را بر عهده بگیرید و ما بگوییم چه برنامه‌ای برگزار کنیم و چه برنامه‌ای برگزار نکنیم. ما گفتیم که این کار اصلا نه در شان ما است و نه در شان شما. شما خودتان باید این کار را مدیریت کنید و مشخص کنید که چه کسی در برنامه‌ها حضور داشته باشد و چه کسی حضور نداشته باشد.

رئیس مرکز حقوقی شهرداری تهران گفت: حرف ما این است که این محل، خانه اندیشمندان نیست، بلکه مؤسسه خانه اندیشمندان علوم انسانی است. این مؤسسه متشکل از تعدادی از افراد است که در زمان واگذاری این محل به آنها، مشمول قانون منع مداخله بودند و حق نداشتند با یک دستگاه اجرایی قرارداد ببندند. ما به آنها گفته‌ایم که قرارداد شما اشکال دارد و باید آن را اصلاح کنید. طبیعتا برای این منظور هیئت‌مدیره این مؤسسه باید اصلاح شوند تا کسانی که قرارداد می‌نویسند، در استخدام دستگاه‌های اجرایی نباشند.

محتشم‌آرا افزود: من مدیر شهرداری حق ندارم یک قرارداد با خودم بنویسم و یک ملک را برای ۱۲ سال به خودم واگذار کنم. رسانه‌ها باید از مدیریت شهری که قرارداد باطل را دنبال کرد و حقوق شهر را گرفت، دفاع کنند.

روز گذشته شهردار ۱۱ نفر از اعضای شورای اسلامی شهر تهران با ارسال نامه‌ای خطاب به مهدی چمران، رئیس شورا خواستار عدم اجرای حکم تخلیه خانه اندیشمندان علوم انسانی شدند.

در این نامه تأکید شده که عقلانیت انقلابی و اعتدال سیاسی ایجاب می‌کند در اتخاذ چنین تصمیماتی، مصالح عمومی و تبعات فرهنگی و اجتماعی آن به‌دروستی لحاظ شود. خانه اندیشمندان که در دوران مسئولیت جناب‌عالی (مهدی چمران) در شورای اسلامی شهر تهران بنیان نهاده شد، امروز به نمادی از هم‌افزایی نجبکانی در عرصه علوم انسانی بدل شده و تعطیلی آن نه صرفا یک اقدام اجرایی، بلکه ارسال پیامی نگران‌کننده به جامعه نجبکانی کشور است.

خانه اندیشمندان علوم انسانی باید بماند؛ نه‌فقط به‌عنوان یک ساختمان، بلکه به‌مثابه قرارگاهی برای اندیشه‌ورزی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی. این نامه به امضای حبیب کاشانی، مهدی اقراریان، علی‌اصغر قائمی، زهرا شمس‌احسان، نرجس سلیمانی، سیدجعفر تشکری‌هاشمی، مهدی عباسی، ناصر امانی، سوده نجفی و سیداحمد علوی رسیده است.

همچنین سیدجعفر شریبانی که به سفر کرپلا رفته است نیز اعلام کرده این نامه را امضا می‌کند.

یادداشت

تهران، اصفهان و شیراز؛ شهرهایی که با ما سخن می‌گویند

علیرضا جباری‌زادگان، پژوهشگر و مدرس معماری، شهر، چیزی بیش از مجموعه‌ای از خیابان‌ها و ساختمان‌هاست؛ شهر، روایت زنده‌ای از هویت، ادراک و خاطره جمعی است. نظریه گشتالت، با تأکید بر درک کل یکپارچه، ما را به بازخوانی شهرها، از زاویه‌ای تازه دعوت می‌کند. شهرها، نه‌تنها به واسطه معماری‌شان، بلکه از طریق پیوستگی ذهنی و فرهنگی با ما سخن می‌گویند. تهران، اصفهان و شیراز، هریک داستان خود را دارند؛ اما آیا این روایت‌ها همچنان همگون و هموزن باقی مانده‌اند؟

ادراک شهر؛ از جز، تا کل، از خاطره تا هویت

نظریه گشتالت می‌گوید: «کل، چیزی بیش از جمع اجزاست». این اصل بنیادین، درک شهر را نیز شکل می‌دهد: خیابانی باریک ممکن است تنها معبری عبوری باشد، اما در ذهن شهروندی که دل در گرو شهر دارد، به خاطره‌ای زنده تبدیل می‌شود. در شهرها اصولی وجود دارند که ذهنیت شهروندان را درباره آن شهر شکل می‌دهند که از جمله آنها می‌توان قواعد زیر را برشمرد.

– اصل تقارب: نزدیکی خانه‌ها، نزدیکی دل‌ها را رقم می‌زند.

– اصل شباهت: وحدت بصری میان ساختمان‌ها، به شهر هویت می‌بخشد. – اصل تداوم: ذهن شهروندان را به تصویر آرمانی یک شهر پیوند می‌دهد. این اصول به ما کمک می‌کنند تا شهر را نه‌فقط به‌عنوان فضایی فیزیکی، بلکه به‌عنوان تجربه‌ای ذهنی و احساسی بشناسیم.

تهران؛ نجوا نمی‌کند، فریاد می‌زند! تهران، شهری است که انکار گشتالت خود را گم کرده است. خیابان‌هایش دیگر امتداد طبیعی حرکت نیستند، بلکه شکست‌هایی در ادراک‌اند. برج‌های بی‌هویت در کنار خانه‌های فرسوده ایستاده‌اند، بدون گفت‌وگو و بدون پیوستگی. تهران با ما نجوا نمی‌کند، بلکه فریاد می‌زند. با این حال، هنوز در خاطره در گوشه‌های شهر باقی است. کوچه‌پس‌کوچه‌های محله عودلاجان، چنارهای سر به فلک کشیده خیابان ولی‌عصر و گذرگاه‌های تاریخی در سایه‌سار درختان دروس؛ همه نشانه‌هایی از اصل تداوم‌اند، تصویری از رؤیای شهری که روزگاری پیوسته و منسجم بود.

اصفهان؛ تداوم در معماری ذهن ایرانی اصفهان، شهری است که گویی گشتالت را در بطن خود حفظ کرده است. میدان نقش جهان، با ساختاری منسجم و متوازن، یک تجربه ادراکی کامل را رقم می‌زند. مسجد جامع، تنها به خاطر کاشی‌هایش دلنشین نیست، بلکه به واسطه هارمونی، تقارن و پیوستگی، ذهن را آرام می‌کند. در این شهر، عناصر معماری به جای آشفتگی، به یکدیگر متصل‌اند. نگاه در کوچه‌ها، خیابان‌ها و میدان‌ها به آرامی حرکت می‌کند، بدون وقفه و بدون سردرگمی.

شیراز؛ شاعرانه‌ترین گشتالت شرق شیراز، شهری است که ادراک را با احساس درمی‌آمیزد. حافظیه، باغ‌های معطر و کوچه‌های خاطره‌انگیز، همه مانند یک شعر، ذهن را از جز به کل هدایت می‌کنند. در این شهر، مژ میان ادراک و احساس محو می‌شود؛ شهر نه‌تنها دیده می‌شود، بلکه شنیده، چشیده و درک می‌شود. شیراز، زبان فضا را به زبان دل تبدیل می‌کند و ذهن را به سمت یک کلیت شاعرانه هدایت می‌کند.

بازآفرینی شهری و روان‌شناسی محیط شهر، آینه روان جمعی ماست؛ اما گاه این آینه بر اثر شتاب و بی‌توجهی شکسته می‌شود. تهران، برای آنکه بار دیگر به شهری شاعرانه تبدیل شود، باید از شهرهایی مانند اصفهان و شیراز بیاموزد؛ از انسجام، هویت و احترام به خاطره جمعی. بازآفرینی شهری مانند تهران، نه‌تنها نیازمند مهندسان و طراحان، بلکه محتاج عاشقانی است که شهر را نه‌فقط با نقش، بلکه با جان و دل طراحی کنند. پانویشت: در عصری که شهرها با شتاب در حال گسترش‌اند، شاید بازگشت به ذهنیت گشتالت، راهی باشد برای بازشناسی زیبایی، همدلی و پیوستگی در جهان پرگسترس امروز.